

راهکارهایی برای پویایی، تولید و تألیف متون جدید و تربیت و تأمین نیروی انسانی در قلمرو روان‌شناسی و مشاوره

سخنرانی دکتر افروز

مقدم همه عزیزان را به دومین نشست علمی گستره روان‌شناسی در ایران گرامی می‌داریم. به‌ویژه از استاد معظم، جناب آقای دکتر کاردان سپاسگزاریم که به رغم کسالتی که داشتند، دعوت ما را لبیک گفتند. همچنین از اساتید محترمی که از دانشگاه‌های مختلف به‌خصوص دانشگاه الزهرا، دانشگاه پیام نور، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی تشریف آوردند ممنون و متشکر هستیم.

در شورای بررسی متون، کتاب‌ها مطابق یک معیار دقیق ارزیابی شده و در اغلب موارد، اساتیدی که نتیجه ارزیابی را ملاحظه کردند، تشکر کردند و تجدیدنظر خودشان را ضروری دانستند. ارزیابی‌ها را اساتید دانشگاه‌های مختلف کشور انجام دادند. بیش از هفتاد نفر استاد در حوزه روان‌شناسی کشور داورهای ما بودند و به همین جهت، گاهی یک کتاب را بیش از دو نفر ارزیابی کردند، بعضاً سه یا چهار نفر ارزیابی کردند و نتیجه حاصل زیر چاپ است، که جناب آقای دکتر ارجمندنیا توضیح خواهند داد.

سازمان نظام روان‌شناسی که، به لطف خدا سال سوم آن را پشت سر می‌گذاریم و بنده مسئول آن هستم، به همت اعضای شورا جناب آقای دکتر فتحی، جناب آقای دکتر مرادی و دکتر هاشمیان و سرکار خانم دکتر سیف که حضور دارند و دوستان دیگر که عضو شورا هستند، به‌وجود آمده و همه به طور افتخاری در این ۳ سال زحمت کشیدند و این کار افتخاری ایشان

برکت بیشتر پیدا کرد و حدود دویست نفر از نظام روان‌شناسی پروانه گرفتند. امروزه تنها نهاد علمی و حرفه‌ای کشور و مطابق قانون که پروانه ارائه خدمت روان‌شناسی و مشاوره ارائه می‌کند، همین سازمان است. هیچ سازمان و نهاد دیگری مجاز به این کار نیست. مطابق قانون هر کاری که دیگران در این باره انجام بدهند مداخله و خلاف قانون است و پیگرد قانونی دارد. به همین جهت، به لطف خدا، کمیسیون‌های مختلفی که در سازمان نظام روان‌شناسی وجود دارد، فعالیت‌های علمی را شروع کردند و الحمدلله کار به نحو مطلوبی پیش می‌رود. این نشست با کمک دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی برگزار می‌شود. رئیس اصلی این دانشکده و بنیانگذار اصلی این دانشکده جناب آقای دکتر کاردان بودند. در دوره دومی که بنده مسئولیت دانشکده علوم تربیتی را داشتم، با مشورت حضرت ایشان و دوستان دیگر، می‌دیدیم که همه تلاش ایشان این بود که گروه روان‌شناسی از دانشکده ادبیات به دانشکده روان‌شناسی انتقال یابد و دانشکده جدید روان‌شناسی و علوم تربیتی احیا شد. به نظر بنده، باید دانشکده‌های ما در جهت تخصصی شدن و دانش‌افزایی تخصصی پیش بروند. رشته‌های ما در اغلب موارد، حدود ۸۰ درصد از ظرفیت رشته‌های کارشناسی و دکترای ما در روان‌شناسی و علوم تربیتی در جهت دانش‌افزایی تخصصی صاحبان حرف و مشاغل آموزشی، تربیتی و فرهنگی باید باشد و این کار بسیار مهمی است. امروزه ما نیاز داریم دانشگاه‌های ما از رشته‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی و به خصوص مشاورین پویا و غنی برخوردار باشند و از این‌رو، به بازنگری سلامت و غنای رشته‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی نیاز داریم، کتاب‌های جدید مبتنی بر یافته‌های بومی تولید و ارائه شود. این ضعف بزرگ کشور ما است و بنده خودم را هم مسئول می‌دانم. ما نیاز داریم در کمیته‌های دو نفره، سه نفره و لو یک‌نفره به تولید و تألیف کتاب‌های جدید و نوین، که مبتنی بر پروژه‌های علمی و آمارهای بومی برای روان‌شناسی باشد، اقدام کنیم. وقتی می‌بینیم ده‌ها دانشگاه در امریکا و اروپا روان‌شناسی مذهبی دارند و روان‌شناسی فرهنگی را شروع کرده‌اند، ما نباید صبر کنیم و مترجم یافته‌های آنها باشیم. وقتی برخی از روان‌شناسان دنیا، کتاب‌هایی راجع به عقل می‌نویسند نه هوش، ما نباید صبر کنیم و فقط آنها را ترجمه کنیم. به همین جهت، نیاز به یک تحول اساسی و پویایی در منابع علمی و غنی و جدید روان‌شناسی مشاوره در کشور داریم. جناب آقای دکتر گلشنی در شورای بررسی متون، ده سال است که زحمت می‌کشند و با این‌که ایشان استاد فیزیک هستند، اما بیش از بسیاری از انسان‌هایی که استاد علوم انسانی هستند، دلسوز علوم انسانی‌اند. ایشان خودشان را وقف این حوزه کردند. به همین جهت، زمینه‌ای

در پژوهشگاه برای تولید منابع جدید پیش آمد. ضمن اینکه سایر مؤسسات دولتی، مثل سمت و دانشگاه تهران می‌توانند این کار را انجام دهند، اما در هر حال، پژوهشگاه بودجه‌ای را برای همین کار فراهم کرده است؛ زمینه‌ای که استادان محترم در هر وضعیتی که هستند بتوانند منابع جدیدی را تولید و عرضه کنند.

سومین نکته‌ای که می‌خواهم عرض کنم، این است که امروز نیاز داریم که روان‌شناسان و مشاوران حاذق و متعهد و مجرب برای کشورمان تربیت کنیم. در این سه محور، ما دارای ضعف‌ها و کاستی‌های فراوان هستیم؛ یکی عدم پویایی رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره در حوزه‌های مختلف و در دانشگاه‌های مختلف است که نیاز به تجدیدنظر اساسی دارد؛ دوم، تولید و تألیف کتاب‌های جدید علمی؛ و سوم، تربیت و تأمین نیروی انسانی در قلمرو روان‌شناسی و مشاوره است که حداقل با درجه کارشناسی ارشد و گذراندن بیش از ۱۰۰ ساعت کار علمی و حرفه‌ای بتوانند پروانه اشتغال به حرفه روان‌شناسی و مشاوره را دریافت کنند. در هر سه زمینه باید تلاش کنیم.

بخشی از مباحث امروز، به هر سه زمینه‌ای که عرض می‌کنم ارتباط خواهد داشت. در این چند روز گذشته، برای اینکه نگاهی کلی به روان‌شناسی در جهان داشته باشیم، یک مطالبی را دوستان به من کمک کردند. سال‌های پیش، من این منابع را استخراج کرده بودم که یک‌بار دیگر بازنگری کردم. ظرف چند روز گذشته، اطلاعات تازه‌ای بر اساس آمار به دست آوردم که توضیح می‌دهم:

پدیده شهرنشینی و گسترش نیازهای روانی شهرنشینی پیامدهای قهری فوق‌العاده‌ای را دارد. استرس‌های شغلی، دغدغه‌های تأمین مسکن و معاش، بهره‌وری مطلوب از نظام تعلیم و تربیت، خدمات بهداشتی و درمانی، همگام شدن با سیطره فناوری نوین، مقابله با حمل و نقل درون‌شهری، مصون بودن از رانندگی‌های پرخاشگرانه و تهاجمی، همه اینها نیاز انسان به خدمات روانی است.

جمعیت شهرنشین جهان در سال ۱۸۰۴م، یک میلیارد نفر بود. در حدود ۱۸۰ سال بعد، جمعیت شهرنشین جهان در سال ۱۹۸۵ دو میلیارد نفر بود و در سال ۲۰۰۳، سه میلیارد نفر جمعیت شهرنشین داشتیم. مطابق آمار جمعیتی کشور در سال ۱۳۸۲، با مهاجرت‌های خواسته و ناخواسته و با فزونی فوق‌العاده جمعیت شهرنشین نسبت به روستانشین‌ها، ۷۰ درصد جمعیت ایران شهرنشین بودند و ۳۰ درصد جمعیت ایران در مناطق روستایی ساکن بودند. این آمار بیانگر این

حقیقت است که جمعیت شهرنشین ایران از میانگین جهانی شهرنشینی، یعنی ۴۷ درصد، به طور چشمگیری بیشتر است و بالطبع نیاز به خدمات روانی، بیش از میانگین جهانی است و اینکه خدمات بهداشتی و روانی یک ضرورت اولیه شهرنشینی است.

بر اساس گزارش بهداشت جهانی، میانگین تعداد روان‌شناس به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت در سال ۲۰۰۲ م، در کشورهای مختلف ۱۴ نفر بوده است. این رقم در چند کشور به این شرح است: در سال ۲۰۰۲، کانادا برای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت، ۴۲ نفر روان‌شناس دارد؛ امریکا برای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت، ۲۸ نفر روان‌شناس دارد - یادمان باشد این ۲۸ نفر روان‌شناس امریکا در کنار مشاوران خانواده است؛ در فرانسه برای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر، ۲۷ نفر روان‌شناس کار می‌کند؛ در ایران برای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر، ۴ نفر روان‌شناس داریم و در چین برای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر، نصف آدم روان‌شناس دارند.

تعداد روان‌شناسان ایران به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر، به طور فوق‌العاده‌ای از میانگین جهانی کمتر می‌باشد. بنابراین، در حال حاضر، در کانادا یک روان‌شناس برای هر ۳۳۰۰ نفر فعال است، در امریکا یک روان‌شناس برای هر ۳۵۷۰ نفر، در فرانسه یک روان‌شناس برای هر ۳۷۰۰ نفر و در ایران برای هر ۲۵۰۰۰ نفر و در چین یک روان‌شناس برای هر ۲۰۰۰۰۰ نفر فعال است.

از روان‌شناسان واجد شرایط در کشورهای امریکا، کانادا و فرانسه، ۵۸ درصد دارای مدرک فوق‌لیسانس هستند و ۴۲ درصد مدرک دکتری دارند. در جمهوری اسلامی ایران روان‌شناسان عضو سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران ۸۵ درصد فوق‌لیسانس و ۱۵ درصد دارای دکتری هستند و خیلی از دارندگان مدرک دکتری هنوز تقاضای پروانه نموده‌اند. نیاز به روان‌شناسان مجرب، به‌ویژه با درجه دکتری، در کشورهای مختلف از جمله ایران اسلامی فوق‌العاده زیاد است. این رقم ۸۶/۱۴ درصد است، که ما ۱۵ درصد فقط دکتری داریم و اگر بخواهیم خدمات روان‌شناسی بهتری ارائه بدهیم نیاز به تقویت دوره‌های کارشناسی ارشد و به خصوص دکتری داریم. اگر در ایران اسلامی، برای هر ۱۰۰۰ خانواده با جمعیت متوسط ۴/۲ نفر یک روان‌شناس حاذق بخواهیم داشته باشیم - یعنی برای هر ۴۲۰۰ نفر یک روان‌شناس نیاز داریم - امروزه به ۱۷۰۰۰ روان‌شناس مجرب با مدرک تحصیلی حداقل کارشناسی ارشد و دکتری نیاز داریم. نتیجتاً باید توجه داشت، در جهان امروز و فردای نزدیک، که نگرش‌های مردمی گستره جهان نسبت به خدمات روان‌شناسی در جهت مثبت در حال تغییر است؛ این

نگرش در بعضی از کشورها، مثل بنگلادش، هند، چین، فوق‌العاده چشمگیر بوده است و مردم باور دارند که نیاز دارند برای مشاوره‌های روان‌شناختی به روان‌شناس و مشاوره مراجعه کنند. ضرورت شهرنشینی این است که به مشاوره‌های روان‌شناسی مراجعه کنند، مردم به خدمات روان‌شناختی نیاز بیشتری دارند، دانش آموزان مدارس نیاز بیشتری به روان‌شناسان مدرسه دارند و نهایتاً، برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌های معتبر جهان، در حوزه روان‌شناسی حداکثر هر ۵ سال، در جهت مطلوب و در پاسخ به نیازهای روزافزون خانواده‌ها و کودکان در حال تغییر است. و این یکی از اصالت‌های نظام روان‌شناسی است که برای ارتقای دانش روان‌شناسی، از تمام دانشگاه‌های کشور بخواهد که بازنگری جدی در برنامه‌های روان‌شناسی خودشان داشته باشند. اسامی بعضی از گروه‌های روان‌شناسی باید تغییر پیدا کند و متناسب شود و محتوا باید به روز شود. ضرورت بازنگری برنامه‌های روان‌شناسی دانشگاه‌های کشور، ارزیابی کتب و منابع موجود، تولید و تألیف کتاب‌های جدید و کاربردی در زمینه‌ها و رشته‌های مختلف روان‌شناسی در ایران اسلامی فوق‌العاده مهم و ضروری است.